

Hypertextual Damage in Contemporary Ritual Ghazal

Hasan Delbari*

Abstract

Persian ghazal that once only focused on romantic conversation proper found new horizons after expanding its subject matter and theme. However, at the same time, it caused serious damage to its form and coherence. The purpose of this paper is to study the ritual ghazal of contemporary Iran in terms of both text and hypertext. The fundamental issue of the paper is the challenges that have weakened today's ritual ghazal, looking for the origin of these challenges at the hypertext that has influenced this poetic form. The method of the present study is argumentative and inductive. The main corpus of the paper is the ghazal poems published in the collection of contemporary poets. A critical examination is done of today's ritual ghazal and its main problems, and it is concluded that in today's poetry in general and ritual ghazal in particular, although thematic and especially ideological approaches have been extended, very serious damage has been done, which has negatively influenced the persuasion of general and intended audience. More importantly, the impact of hypertext damage is so considerable and far-reaching that disturbs the text of many of today's ritual ghazals, and the root of many of the text's weaknesses must be traced to its hypertext.

Keywords: contemporary ghazal, ritual ghazal, religious ghazal, problems of ghazal, hypertext of ghazal

* Associate Professor in Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran, h.delbari@hsu.ac.ir

How to cite article:

Delbari, H. (2022). Hypertextual Damage in Contemporary Ritual Ghazal. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 1(1), 115- 134. DOI: [10.22077/JCRL.2022.4926.1021](https://doi.org/10.22077/JCRL.2022.4926.1021)



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



آسیب‌های فرامتنی غزل آیینی معاصر

حسن دلبری*

چکیده

غزل فارسی که روزی، تنها معطوف به مغالزه به معنی خاص آن بود، بعد از گستردگی موضوعی و مضمونی که پیدا کرد به بازیابی افق‌های تازه‌ای نائل شد؛ اما به همین نسبت، آسیب‌هایی جدی نیز در پیکره صوری و انسجام معنایی آن ایجاد کرد. هدف این مقاله، مطالعه غزل آیینی امروز ایران از نظرگاه آسیب‌های مبتنی بر متن و فرامتن آن است. مسئله بنیادی مقاله، بررسی چالش‌هایی است که غزل آیینی امروز را به ضعف و سستی کشانده، با نگرشی به خاستگاه این آسیب‌ها در فرامتنی که این قالب شعری را تحت تأثیر قرار داده است. روش پژوهش حاضر به گونه استدلالی و از نوع استقرایی است. بدنه اصلی مقاله را که جامعه آماری آن، غزل‌های چاپ‌شده در مجموعه شعرهای معاصران است، بررسی منتقدانه غزل آیینی امروز از منظر آسیب‌های مترتب بر آن تشکیل می‌دهد و در پایان این نتیجه حاصل می‌شود که در شعر امروز به‌طور عام و غزل آیینی به‌طور خاص، هرچند رویکردهای مضمونی و به‌ویژه ایدئولوژیک، گسترده‌تر شده است، آسیب‌هایی بسیار جدی بر آن سایه انداخته که مانع از اقناع عمومی مخاطب خاص و عام شده است. نکته مهم‌تر اینکه تأثیر آسیب‌های فرامتنی مثل جشنواره‌های بی‌رویه به قدری عمیق و وسیع است که متن بسیاری از غزل‌های آیینی امروز را نیز دچار اختلال کرده است و باید ریشه بسیاری از ضعف‌های متن را در فرامتن آن جست.

کلیدواژه‌ها: غزل معاصر، غزل آیینی، غزل مذهبی، آسیب‌شناسی غزل، فرامتن غزل.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سبزوار، سبزوار، ایران h.delbari@hsu.ac.ir

۱. مقدمه

شعر آیینی در مفهوم گسترده آن، گونه‌ای از سروده‌ها را در برمی‌گیرد که مبتنی بر فرهنگ عامه و مبانی ایدئولوژیک باشد. از این منظر، طیف وسیعی از سروده‌هایی که حتی در انواع تعلیمی، حماسی، غنایی و نمایشی جای می‌گیرند نیز مشمول این تعریف خواهند شد، اما برای دستیابی به نتایجی علمی‌تر، ناگزیر از جزئی‌نگری و ریزانگاری بیشتری هستیم به‌گونه‌ای که حداقل، محدوده این نوع سروده‌ها را منحصر به شعرهایی بدانیم که در لایه ایدئولوژیک آن، مبانی مذهبی و در روستاخت واژگانی آن، واژه‌های نشان‌دار این حوزه لحاظ شده باشد.

در پژوهش حاضر، محدوده مطالعه بازهم جزئی‌تر شده و فقط معطوف به قالب غزل است. تلاش دیگری که در این راستا صورت گرفته، این است که از میان انبوه آسیب‌های مترتب بر شعر آیینی به‌طور عام و غزل آیینی به‌طور خاص و غزل آیینی معاصر به‌طور اخص، فقط آسیب‌هایی بررسی شده است که به‌عنوان فرامتن غزل، آن را زیر تأثیر ناگزیر خود گرفته‌اند.

۱-۱- پیشینه پژوهش

برخلاف نقد شعر متقدمین که بیشتر منحصر به منتقدان دانشگاهی است و معمولاً کمتر در میزگردهای خبری و مجامع ژورنالیستی به آن پرداخته می‌شود؛ در حوزه شعر امروز، هرکسی به خود اجازه می‌دهد اظهارنظری داشته باشد و از این نظر، فضاهای نقد غیردانشگاهی، پر است از آنچه ظاهراً پیشینه این مقاله محسوب می‌شود؛ اما پژوهش‌های بنیادی و اصولی کمتر انجام شده است.

مقاله‌ها و پژوهش‌هایی که درباره آسیب‌شناسی صورت گرفته است بیشتر در حوزه‌های ادبیات تطبیقی و نظریه‌های نقد ادبی است. مقاله‌هایی از نوع «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران» از علیرضا انوشیروانی (۱۳۸۹) و مقاله «آسیب‌شناسی کاربرد نظریه‌های مدرن در تدوین درس‌نامه‌های بلاغی» از داوود عمارتی مقدم (۱۳۹۶) و تنها در سه منبع می‌توان مواردی را نزدیک به آنچه پیشینه این پژوهش محسوب می‌شود، جست. پروانه دلاور (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی و آسیب‌شناسی شعر آیینی معاصر» منتشرشده در ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مطالعات زبان، برخی آسیب‌های مترتب بر شعر آیینی معاصر را به گونه توصیفی-تحلیلی برشمرده است. زهرا محدثی خراسانی (۱۳۸۸) در کتاب شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن نگاهی فرامتنی به شعر آیینی معاصر داشته و انقلاب اسلامی را به مثابه فرامتنی تأثیرگذار برای شعر آیینی امروز دیده است. مرتضی امیری اسفندقه در کتاب چله شعر (۱۳۹۷) چهل درس گفتار پیرامون شعر ولایی دارد که

نگاهی است از نوع آنچه در محافل نقد شعر و انجمن‌های ادبی دیده و شنیده می‌شود. به نظر می‌رسد پژوهش حاضر، با توجه به اینکه فقط به بررسی آسیب‌های فرامتنی، آن هم فقط در حوزه غزل آیینی پرداخته است، مسبوق به سابقه‌ای نباشد.

۲. بحث و بررسی

از آنجاکه موضوع غزل تا قبل از مشروطه بیشتر عشق و عرفان و تا حدی موضوعات اجتماعی بود، بیشترین نمودهای شعر آیینی در قصیده‌ها و مثنوی‌ها دیده می‌شد. نگاهی به قصاید کسائی مروزی (متوفی: ۳۹۴ ه. ق.)، سیف فرغانی (متوفی ۷۴۹ ه. ق.) و مثنوی گنجینه‌الاسرار عمان سامانی (متوفی: ۱۳۲۲ ه. ق.)، گواهی بر این مدعاست؛ اما از مشروطه به بعد که شبکه مفهومی غزل از رویکرد انحصاری خارج شد و شکلی فراگیر پیدا کرد، اندیشه‌های آیینی که از زمان صفویه به بعد در قالب‌هایی مثل ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و مثنوی به وفور یافت می‌شد، وارد غزل نیز گردید.

غزل آیینی در این دوران، صرفاً ابراز یک عقیده شخصی نبود، بلکه ابزاری بود برای مقابله با بی‌هویتی مفرطی که به دنبال آشنایی بعضی از شاعران ایران با اروپا، در شعر پس از مشروطه، ریشه دوانده بود. «با آغاز تهاجم فرهنگ، هنر و ادبیات غرب و در طی سلطه ذهنی ادبیات اروپایی که با ترجمه آثار شاعران و نویسندگان فرانسوی و انگلیسی آغاز شد، روشنفکری بی‌هویت ایران، همراه با لقمه تمدن، خار فرهنگ را بلعید» (کاکایی، ۱۳۷۶: ۱). غزل آیینی بعد از مشروطه در واقع حربه‌ای تدافعی بود که روشنفکران یا کسانی را که از ارمغان آنان تغذیه می‌شدند، دعوت به خودشناسی می‌کرد: «در این میان، مذهب به‌عنوان یک عامل بازدارنده از بدی، حداقل پاداشی که به اندیشه‌های دگرگون‌نگشته و فریب‌نخورده، می‌داد، خودباوری در سایه تفکیک تمدن از فرهنگ و محتوی از تکنیک بود» (همان).

تا انقلاب اسلامی، مذهب در غزل به‌گونه‌ای ریشه ندوانید که بتوان آن را یک جریان تلقی کرد؛ اما در دهه‌های اخیر، اشتراک نظام سیاسی با نظام اعتقادی ایران عامل مهمی در رویکرد شاعران به غزل آیینی شد و در این میان جز چند تن شاعر بازگشتی، که قصیده‌های مذهبی می‌گفتند، بیشترین نمود ادبیات آیینی، در غزل بود. از سوی دیگر برگزاری کنگره‌ها، همایش‌ها و مسابقاتی درباره شعر ائمه، عامل دیگری شد که هرچند به خاطر کوششی بودن شعرها، قوت کیفی مطلوبی نداشت، از نظر کمی در روند غزل آیینی بسیار مؤثر بود. به عقیده محمدرضا سنگری در مقدمه کتاب *حرفی از جنس زمان* «نگاه به انسان و جهان و حرکت در قلمرو اندیشه‌ها و مضامین مذهبی به‌گونه‌ای که در شعر انقلاب دیده می‌شود، هرگز با این گستردگی و عمق چه در سروده‌های قبل از انقلاب و چه در دوره‌های دوردست ادبیات ما سابقه نداشته است» (میرجعفری، ۱۳۷۶: ۱۲).

نکته جالب توجه در این میان، پذیرش مضامین غیر غزلی در غزل بود که بدون هیچ‌گونه تنش و اصطکاک خاصی انجام گرفت. در غزل پیش از انقلاب مشروطه، همواره با مضامین عاشقانه و عارفانه و تا حدی اجتماعی روبه‌رو بوده‌ایم، اما رویکرد گسترده به غزل‌های سیاسی، اجتماعی، انتقادی و وطنی که از ابتدای مشروطه پدید آمد، هضم این بدعت موضوعی را آسان کرده بود؛ از سوی دیگر درباره ائمه، به‌ویژه حضرت مهدی (عج)، غزل به‌گونه‌ای گفته می‌شد که کاملاً رنگ و بوی غزل‌های عاشقانه و عارفانه داشت. در بعضی از آن‌ها تنها استعاره‌هایی مثل «گل نرگس»، «غنچه نرگس»، «سبزپوش قبيله»، «بهار»، «سوار» و... ذهن را به‌سوی معشوق غزل (حضرت قائم عج) سوق می‌داد.

فروغ بخش شب انتظار آمدنی است	نگار آمدنی، غمگسار آمدنی است
به خاک کوچه دیدار آب می‌پاشند	بخوان ترانه بزن تار، یار، آمدنی است
بین چگونه قناری ز شوق می‌لرزد	مترس از شب یلدا بهار آمدنی است
صدای شیهه رخسار ظهور می‌آید	خبر دهید به یاران سوار آمدنی است
بس است هر چه پلنگان به ماه خیره شدند	یگانه فاتح این کوهسار آمدنی است

(امیری اسفندقه، ۱۳۷۸: ۷)

در میان غزل‌های آیینی معاصر، بیشترین حجم را غزل‌هایی تشکیل می‌دهد که به‌گونه‌ای با عاشورا، حضرت زهرا (س)، حضرت مهدی (عج) و امام رضا (ع) مرتبط باشد؛ حتی حضرت رسول اکرم (ص) در غزل‌های معاصر جایگاهی به‌اندازه چهار مورد یادشده ندارند (البته منظور ما از غزل، غزل‌هایی است که مخصوصاً از جنبه شیوه زبانی بتوان آن‌ها را در رده غزل معاصر قلمداد کرد و گرنه در گوشه و کنار، شعرهایی گاه با قالب غزل برای نوحه‌خوانی‌ها سروده می‌شود که در حوزه این پژوهش جای نمی‌گیرد).

موضوع غزل‌های سروده‌شده برای حضرت مهدی (عج)، بیشتر انتظار و برای حضرت زهرا (س) بیشتر اشاره به پهلوی شکسته و مدفن گمنام اوست که هیچ‌کدام تازگی ندارد:

دل غریب من از گردش زمانه گرفت	به یاد غربت زهرا شبی بهانه گرفت
شبانه بغض گلوگیر من کنار بقیع	شکست و دیده ز دل اشک دانه دانه گرفت
ز پشت پنجره‌ها دیدگان پر اشکم	سراغ مدفن پنهان و بی‌نشانه گرفت

(قدسی، ۱۳۷۵: ۱۳)

دل به داغ بی کسی دچار شد نیامدی	چشم ماه و آفتاب تار شد نیامدی
ای بلند تر ز کاش و دورتر ز کاشکی	روزهای رفته بشمار شد نیامدی
سنگ‌های سرزمین من در انتظار تو	زیر سم اسب‌ها غبار شد نیامدی
عمر انتظار ما حکایت ظهور تو	قصه بلند روزگار شد نیامدی

(کاکایی، ۱۳۷۸: ۴۶)

اما در غزل‌های کربلایی، مخصوصاً طی جنگ تحمیلی، افقی تازه از مضامین باز شد که

پیش‌تر، هیچ سابقه‌ای نداشت؛ کربلا در غزل دهه شصت، همواره در پشت خطی مرزی دیده می‌شود که رسیدن به آن به خاطر شرایط وقت، تنها یک آرزوست.

جاده و اسب مهیاست بیا تا برویم کربلا منتظر ماست بیا تا برویم
ایستاده است به تفسیر قیامت زینب آن‌سوی واقعه پیداست بیا تا برویم
(حسینجانی، ۱۳۷۸: ۲۸).

در ادامه و پیش از ورود به آسیب‌های غزل امروز در بافت فرامتن‌ها، پنج رویکرد عمده را در غزل آیینی امروز بررسی می‌کنیم

۲-۱. رویکرد تازه به شعر علوی

با وجود اینکه در بین خلفای راشدین، علی (ع) میان شیعه و سنی مشترک است رویکردی که در سه دهه اخیر به شعر علوی دیده می‌شود هم از نظر کمیّت و هم کیفیت در ادبیات گذشته وجود نداشته است.

نگاهی که قبل از صفویه به شعر علوی دیده می‌شود در بعضی موارد نگاهی رقابتی است؛ به‌گونه‌ای که در قدیمی‌ترین منبع موجود در این زمینه، یعنی کتاب تازه پیدا شده «علی نامه» از مؤلفی ناشناس (احتمالاً فردی با نام اصلی یا مستعار «ربیع»)، (شفیعی کدکنی و امیدسالار، ۱۳۸۸) این انگیزه رقابت با شاهنامه فردوسی را به‌خوبی می‌توان احساس کرد. در شعر پس از صفویه نیز پدیده آمدن کتاب‌هایی مثل «حمله حیدری» از باذل مشهدی (متوفی ۱۱۲۳ ه. ق.) نشانگر این فضای رقابتی است. در مواردی نیز که شاعران نگاه رقابتی نداشته‌اند یا در دیباچه منظومه‌ها و در کنار مدح و منقبت دیگر خلفا از خلیفه چهارم نیز یاد کرده‌اند یا بدون ورود به جزئیات زندگی وی تنها به مدح و مرثیه‌ای کلی بسنده می‌کرده‌اند.

در غزل علوی پس از انقلاب اسلامی زوایایی از زندگی آن حضرت همچون غدیر، تنهایی، غضب خلافت، ناله‌های شبانه در چاه، خاک‌سپاری غریبانۀ دختر پیامبر (ص)، شهادت در محراب، نان و شیر و خرمای شبانه و تلمیحاتی از این دست که در زندگی او کم هم نیستند، مطمح نظر شاعران قرار گرفت.

اگرچه زخم به فرقت سه روز منزل داشت علی جراحت سر را همیشه در دل داشت
نه پنج سال خلافت که پیش از آن هم نیز دلی به سینه چنان مرغ نیم‌بسمل داشت
دمی که آینه آب چاه را می‌دید هزار حنجره فریاد در مقابل داشت...
اگر شبانه به اطعام سائلان می‌رفت به جان فاطمه شرم از نگاه سائل داشت...
(شکوهی، ۱۳۷۶: ۵۴)

دیر شد امشب برایم نان نیاوردی علی!
چاه می‌گوید که دریا می‌شدم هر نیمه شب
کاسه کاسه شیر را پنهان نیاوردی علی
اشک‌هایت کو چرا طوفان نیاوردی علی

(بیدکی، به نقل از ستاد غدیر استان تهران، ۱۳۸۲: ۶۴)

ای هم‌نشین خلوت خاموش نخل‌ها تنهاییت مباد فراموش نخل‌ها
(بیابانکی، ۱۳۷۶: ۱۳)

و نمونه‌های فراوان دیگری از این دست.

۲-۲. حضرت زهرا (س) و مسائل پیرامونی زندگی او

اگر در موردی مثل انتظار می‌شود نمونه‌هایی در ادبیات قبل از صفویه و در دیوان‌های شاعران اهل تسنن پیدا کرد به این دلیل است که در اصل مسئله انتظار نوعی اشتراک فکری بین این گروه از شاعران، که عمده‌ترین شاعران پیش از صفویه نیز هستند، وجود دارد، اما در مواردی مثل عاشورا، بقیع یا فدک وضعیتی متفاوت حاکم است. رویکرد شاعران آیینی معاصر به موضوعات اخیر در هیچ دوره‌ای از تاریخ ادبیات به شکلی که در این دوره می‌شناسیم، مسبوق به سابقه نیست.

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شعر فاطمی چندان درخششی نداشت؛ هرچند بعد از روی کار آمدن پادشاهان صفوی و رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، شاعرانی بودند که به شعر فاطمی پرداختند، اما از آنان چندان شعر معروف و مشهوری که در اذهان جاری و باقی بماند در دست نیست (محدثی خراسانی: ۱۳۸۹: ۲۲۳).

اما در میان معاصران، شخصیت و زندگی این بانو از زاویه‌های مختلف نگریسته شده است:

تا که نامت بر زبان آمد زبان آتش گرفت سوختم چندان که مغز استخوان آتش گرفت
حیدر آمد، خاک همچون باد گرم گریه شد خواست تا غسلت دهد آب روان آتش گرفت
(قزوه، ۱۳۷۵: ۲۹)

جان سحر، جسم سمن بوی توست شام غلام سر گیسوی توست
هی‌هی از این عشق خوش احمدی ذکر لبم، ناله هوهوی توست
(موسوی گرمارودی، ۱۳۶۸: ۱۶۰)

آن شب که دفن کرد علی بی صدا تو را خون گریه کرد چشم خدا در عزا تو را
در گوش چاه، گوهر نجوا نمی‌شکست ای آشیان درد، علی داشت تا تو را
(طهماسبی، ۱۳۷۵: ۵)

۳-۲. غزل عاشورایی و وقایع و شخصیت‌های مرتبط با آن

در غزل امروز ایران، نگاهی که نسبت به امام سوم شیعیان وجود دارد آن‌قدر معطوف و منحصر به حادثه عاشورا شده است که به نوعی می‌توان گفت، شعر حسینی؛ یعنی شعر

عاشورایی. البته نباید از نظر دور داشت که این رویکرد، بسیار طبیعی است و حتی در اولین نمونه‌های شعر آیینی ایران نیز که در دیوان کسایی مروزی سراغ داریم، نگرش عمده شاعر به همین واقعه است:

باد صبا درآمد فردوس گشت صحرا آراست بوستان را نیسان به فرش دیا
(کسایی مروزی به نقل از ریاحی، ۱۳۷۵: ۶۸)

یا در مثنوی شیوای عمان سامانی، اصل موضوع فقط واقعه عاشورا است (ر.ک: سامانی، ۱۳۷۹)، هرچند شاعر از منظری عرفانی و عاشقانه به موضوع نگریسته است. فی‌المثل در وصف حضرت عباس (ع) با چنین تصاویری روبه‌رو هستیم:

باز لیلی زد به گیسو شانۀ را سلسله جنبان شد آن دیوانه را
جانب اصحاب تازان با خروش مشکی از آب حقیقت، پر به دوش
کرده از شط یقین، آن مشک پر مست و عطشان همچو آب‌آور، شتر...
(نمازی بروجردی، ۱۳۹۲: ۸۶)

در غزل امروز نیز جز معدود سروده‌هایی که به ولادت ایشان پرداخته‌اند، دیگر آثار، محوریتی عاشورایی دارد و درواقع مجموعه‌ای است از شعر حسینی، زینبی، عباسی و...

ای که پیچید شبی در دل این کوچه صدایت یک جهان پنجره بیدار شد از بانگ رسایت
تاقیامت همه جا محشر کبرای تو برپاست ای شب تار عدم شام غریبان عزایت
(محمدی نیکو، ۱۳۷۸: ۲۴)

ای خون اصیلت به شتک‌ها زغدی‌ران افشانده شرف‌ها به بلندای دلیران
جاری شده از کرب و بلا آمده وانگاه آمیخته با خون سیاووش در ایران
(منزوی، ۱۳۷۷: ۴۹)

هیچ دلی عاشق و دچار مبادا عاقبت چشم انتظار مبادا
تشنه لبی مست مست رفته به میدان وعده دیدار بر مزار مبادا
(نظری، ۱۳۸۵: ۷۴)

سرّ نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

(طهماسبی، ۱۳۷۵: ۱۲۵)

اما در همین آثار عاشورایی، نقطه قوتی که آن را از سروده‌های پیشینیان، متمایز می‌کند بینش رئالیستی‌ای است که بر برخی ازین غزل‌ها مستولی است «روایت جزئیات واقعه کربلا و

پرهیز از کلی‌گویی و کلی‌نگری نیز از شاخصه‌های برخی از اشعار عاشورایی است. این مسئله به برقراری پیوند صمیمی بین شعر با مخاطب منجر شده است» (ضیایی، ۱۳۸۷: ۳۰۲).

ضیایی، مؤلف کتاب *جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا* در ادامه این مطلب به ابیات زیر از غزل عاشورایی جلیل واقع‌طلب استناد می‌کند:

اگر شود متلاطم خروش جاری زخمت	به خون و خاک نشیند تمام قافله، خاتون!
که دیده است که خورشید، در تلاطم دریا	وضو نکرده بخواند نماز نافله خاتون!
زمین و زخم زبان زمینیان و تو اما	شنیده‌ام که نکردی از آسمان، گله خاتون
	(واقع‌طلب، به نقل از همان)

۲-۴. غزل رضوی

وجود حرم امام هشتم (ع) در ایران، موجد حجمی گسترده از شعرهای رضوی گردیده است که در این میان کنگره‌های شعر رضوی نیز این فراوانی را دامن زده است. «برگزاری کنگره‌های متعدد از قبیل «گریز آهوانه»، «شعر رضوی» و... شعر رضوی را هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی ارتقا داده است؛ اگرچه در مواردی نیز برگزاری این کنگره‌ها می‌تواند معایبی در پی داشته باشد» (محدّثی خراسانی، ۱۳۷۹: ۲۷۱) که در بخش آسیب‌شناسی غزل امروز، درباره این معایب مفصل بحث خواهد شد.

موضوعاتی که در شعر رضوی بیشتر مدّ نظر شاعران قرار می‌گیرد، ناظر به تولد ایشان، حدیث سلسله الذهب، حال و هوای حرم، ضمانت آهو، مسمومیت، پنجره فولاد و... است که تقریباً تمام این موارد بدون این‌که محدودیتی برای مضمون باشد در غزل امروز دیده می‌شوند:

یاد پاک او که در دلت مرور می‌شود	ذهن تو چراغ روشن شعور می‌شود
دل که می‌تپد و می‌تپد و می‌تپد	زیر سایه حرم صبور می‌شود
	(محبت، ۱۳۸۵: ۲)

نسخه می‌پیچد برایم این حریم محترم	من سلامت را از این دارالشفا آموختم
	(امیری اسفندقه، ۱۳۸۳: ۱۳۸)

۲-۵. انتظار

در شبکه مفهومی غزل امروز، ادبیات انتظار بیشتر از دیگر شعبه‌ها قابل تأمل است. انتظار به مفهوم ایدئولوژیک آن، یکی از انگاره‌های کلیدی شعر شاعران متعهد است و در سال‌های پس از انقلاب، جان بیشتری می‌گیرد:

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی

(امین‌پور، ۱۳۷۲: ۸۷)

در سده‌های نخست، بیشتر شاعران از منجی، به‌عنوان نماد بهره برده‌اند؛ نمادی که مظهر عدالت و دادگستری، صلح و آرامش و نابودی ظلم است. این شاعران در سروده‌های خود بعد از مدح ممدوح، او را با منجی خود مقایسه کرده و گاهی پا را از این فراتر گذاشته او را هم پایه «مهدی» توصیف کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال، خاقانی در قصیده‌ای غرّاً در مدح صفوه الدّین تا آن‌جا پیش می‌رود که زمان او را در دادگستری مبشّر مهدی می‌داند:

این پرده کآسمان جلال آستان اوست ابری است کافتاب شرف در عنان اوست...

بلقیس بانوان و سلیمان شه اخستان کز عدل و دین، مبشّر مهدی زمان اوست

(خاقانی، ۱۳۷۴: ۷۲ - ۷۳)

در سده‌های بعدی، بر میزان اشعار مهدوی چه به لحاظ کمی و چه کیفی افزوده می‌شود؛ به‌خصوص از سده دهم قمری به بعد با تغییراتی که در اعتقادات مذهبی حکومت مرکزی ایران شکل می‌گیرد و حکومت صفوی مذهب شیعه دوازده امامی را به‌عنوان مذهب رسمی اعلام می‌کند، میزان روی آوردن شاعران به مفاهیم مذهبی از جمله انتظار، به طرز چشمگیری زیاد می‌شود و توجه شاعران به مذهب و قالب‌های تفکر شیعی به‌طور محسوسی افزایش می‌یابد. حمایت پادشاهان صفوی از شاعران مذهبی و مضامین شیعی بر میزان این روی آوردن می‌افزاید و بسامد این‌گونه اشعار در دیوان شاعران زیاد می‌شود.

در شعر انقلاب با گشوده شدن درجه‌های جدید به روی بسیاری از مضامین که پیش از آن‌هم در شعر فارسی کم‌وبیش مطرح بوده‌اند، مواجهیم. در این افق‌های تازه، به‌صورت گسترده و عمیق‌تری به موضوع نگریسته شده است؛ به‌ویژه درجایی که عمده موضوعات شعری را نگرش‌های مذهبی تشکیل داده‌اند. در این بین، ادبیات انتظار جایگاه ویژه‌ای دارد... چنین مفهومی در ادبیات پیشین نسبت به دوره معاصر کمتر مورد توجه قرار گرفته است و تحقیق جامع و گسترده‌ای با موضوعیت «انتظار و شعر انتظار» صورت پذیرفته است و در سال‌های پس از انقلاب تا آن‌جا که جستجو به عمل آمد، پژوهش مستقل و کاملی با نگاه علمی و دانشگاهی به انجام نرسیده است (بهرامیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۱).

نمونه‌هایی از سروده‌های این حوزه:

نمی‌زدیده نمی‌جوشد، اگر چه باز دلم تنگ است

گناه دیده مسکین نیست، کمیت عاطفه‌ها لنگ است

کجاستی که نمی‌آیی الا تمام بزرگی‌ها

پرنده بی تو چه کم صحبت، بهار بی تو چه بی رنگ است

(کاظمی، ۱۳۷۰: ۸۹)

ای مهربان که نام تو را یار گفته‌اند چشم تو را فروغ شب تار گفته‌اند...
برخیز و پرده برکش از آن روی تا که ما باور کنیم آنچه زدیدار گفته‌اند

(امین، ۱۳۸۰: ۵۸)

۳. آسیب‌شناسی غزل امروز

در سال‌های پایانی دهه شصت که شفیع کدکنی بخش «تحریر محل نزاع» را در کتاب موسیقی شعر می‌نوشت، با آن که شعر معاصر هنوز به بسیاری از آسیب‌هایی که امروز گریبان گیر آن شده است، دچار نبود با گله‌مندی فراوان واقعیتی را درباره شعر معاصر این‌گونه یادآور شد:

در بیست سال اخیر، به‌ویژه پس از انقلاب بهمن‌ماه به نظرم شعر جوان ایران از حوزه پیشنهادی نیما دور می‌شود و به همین دلیل شعر خوبی در این پانزده سال اخیر جز از بعضی استادان نسل قبل، آن هم به‌ندرت یا منتشر نشده است یا من توفیق زیارتش را نداشته‌ام آنچه دیده‌ام «کنسرو کلمات» و مجموعه‌ای از «تصاویر جدولی» بوده است (شفیع کدکنی، ۱۳۷۳: بیست‌وسه).

نگاهی به بخش‌هایی از کتاب با چراغ و آینه به‌ویژه مقاله «شعر جدولی، آسیب‌شناسی نسل خردگریز» که در سال ۱۳۹۰ چاپ شده است نشان می‌دهد که وی نه‌تنها امروز نیز بر همان نظر است، حتی گله‌مندی‌های وی عمق و وسعت بیشتری پیدا کرده است (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۹۲ - ۶۰۶).

آسیب‌های جدی غزل آیینی امروز در دو دسته عمده جای می‌گیرند:

۳-۱. آسیب‌های درون‌متنی غزل

این دسته از آسیب‌ها معطوف به لایه‌های مختلف آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک غزل است که خود را در برآیند فرم و محتوای غزل نشان می‌دهد. مثل غالی‌گری‌هایی از این نوع که شاعر، مقام امام حسین (ع) را از خدا نیز بالاتر می‌برد:

قسم به سوره توحید، گر که کافر حق دم از حسین زند فطرتش مسلمان است
(ده بزرگی، به نقل از ترکمانیان، ۱۳۸۸: ۴۵)
خلقت کون و مکان از کرم فاطمه است آفرینش رشحات قلم فاطمه است
به خداوند قسم قبله ارباب یقین خاک درگاه ملایک قدم فاطمه است
(رستگار، ۱۳۹۵: ۷۱)

یا خوار و ذلیل دانستن خود در مقابل ائمه اطهار، نگاه معشوق وار به بزرگان دین، سبک‌انگاری گناه، با وجود شفاعت آنان، استفاده از هر وسیله‌ای برای گریاندن مخاطب به‌ویژه در نوحه‌ها و...؛ اما از آن‌جا که موضوع این مقاله آسیب‌هایی است که از ناحیه عوامل فرامتنی بر غزل عارض شده است در ادامه، تنها به این‌گونه آسیب‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۲. آسیب‌های فرامتنی غزل

این گروه از آسیب‌ها از بیرون سازمان غزل، آن را تهدید می‌کند و گاه حتی سبب آسیب‌های درونی آن نیز می‌شود؛ آسیب‌هایی نظیر بافت اجتماعی که غزل در آن شکل می‌گیرد، تعدد متولیان غیرمرتبط با شعر، ناهمگونی انجمن‌ها، جشنواره‌های مناسبتی، رسانه زدگی و ...

۳-۳. کنگره‌ها، جشنواره‌ها و مسابقات

یکی از آسیب‌های جدی که متوجه غزل آیینی امروز است، برگزاری روزافزون جشنواره‌ها یا دیگر عنوان‌های مشابهی است که در ظاهر برای ارتقای سطح این هنر و با این هدف شکل می‌گیرد؛ اما نتیجه به‌دست آمده، نشان از آن دارد که این ارتقا فقط در سطح کمیت آثار است. نگاهی آماری به آثار تولیدشده در جشنواره‌ای مثل «شعر رضوی» یا کنگره‌ای مثل «دفاع مقدس» نشان می‌دهد هر ساله حجم انبوهی از آثار به بهانه برگزاری آن جشنواره یا کنگره تولید می‌شود (واژه «تولید» درباره چنین آثاری عامدانه و معنادار آورده شده است)؛ اما در یک ارزیابی فنی و تکنیکی، سطح کیفی کار در نقطه مقابل سطح کمی است.

شعری که برای جشنواره‌ها و تریبون‌ها سروده می‌شود باید همه چیزش در دسترس و سهل‌الوصول باشد. باید همه هنرش را در چند دقیقه نمایان کند. باید توجه داوران، دوربین‌ها، میکروفون‌ها، تماشاگران و خبرنگاران را به سرعت جلب کند. باید موج‌آفرینی کند. باید حیرت‌انگیز باشد. اگر توانستی پشت تریبون و روی صفحه تلویزیون گریه کن، نعره بکش، قهقهه بزنی، سر و دست تکان بده و وجود خودت را اثبات کن و آن‌گاه از مزایای دیده شدن بهره‌مند باش (امینی، ۱۳۸۵: ۶۹).

در این آثار، بیشتر از آن‌که شاهد هنرنمایی شاعر باشیم، لحاظ شدن سلیقه داوران را می‌بینیم که حاصلی جز فقر همه‌جانبه تولیدات در پی ندارد. «در بین همه کتاب‌هایی که به صورت مجموعه آثار این کنگره‌ها و مسابقات، انتشار یافت به ندرت، اثری با قابلیت‌های شعر مذهبی به چشم می‌خورد» (طاهریان، ۱۳۸۱: ۴۰). برای نمونه فقط در پنجمین و ششمین کنگره شعر فاطمی موسوم به هیجده سال نوری به روایت مقدمه کتاب تسبیح کلمات (ر.ک: جانفدا، ۱۳۹۷: ۷) در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ بیش از ۸۰۰ شاعر پارسی‌سرا با بیش از ۲۰۰۰ اثر شرکت کرده‌اند. غزل‌هایی از این دست را در این مجموعه‌ها که گزینش هم شده‌اند، کم نمی‌بینیم:

زهر اگر به صورت کامل بیان شود زیر و زبر تمام زمین و زمان شود
(ملکی، به نقل از شاعران اهل بیت، ۱۳۹۷: ۴۶۹)

تا که از دورترین نقطه نمایان می‌شد کوچه در کوچه جهان، غرق بهاران می‌شد
(کاویانی، به نقل از همان: ۲۶۴)

دست گلچین از گلستان امامت چید، گل باغبان، آزرده شد زین ماجرا رنجید، گل
(مردانی، به نقل از حوزه هنری، ۱۳۶۹: ۷۰)

۳-۳-۱. بلوغ زودرس شعری

از محصولات ناگزیر انجمن‌های ادبی و جلسات نقد، بلوغ زودرسی است که به شاعران جوان دست می‌دهد. در راستای آگاهی‌ها و اطلاعاتی که بر مبنای شرح و تفصیل نظریات نقد ادبی از سوی منتقدان بر ذهن شاعر می‌بارد و اصطلاحات پرطمطراق نقد که در این انجمن‌ها عمومیت می‌یابد، استعداد شاعر جوان، رشدی کاریکاتوری می‌یابد که حاصل آن، اوج زودرس و در نتیجه، غروری مبتنی بر رشد فانتزی اوست.

محصول این بلوغ زودهنگام، عدم تعادل در رشد جنبه‌های مختلف شعری و لوازم ادبی او می‌شود تا جایی که با همان سرعت اوج‌گیری، یک باره در سراشیب سرخوردگی می‌افتد. در چنین مواردی گاه یک شاعر جوان یا نوجوان در حالی از مبانی نظری شعر اروپا و آمریکا می‌گوید که هنوز در ساده‌ترین اصول عروضی شعر فارسی دچار مشکل است (دلبری، ۱۳۹۲: ۲۵۱).

این مشکل در غزل‌های آیینی که نسبت به دیگر گونه‌های پیشتاز غزل، از فخامت و وقار بیشتری برخوردار هستند؛ بسیار زودتر خود را نشان می‌دهد.

۳-۳-۲. مناسب‌سرایي

غزل‌سرایي که برای یک رسانه می‌سراید، باید به‌روز باشد تا خواست صاحبان آن رسانه

را تأمین کند. برای تغذیه یک برنامه مناسبی، یک ستون در روزی خاص، یا یک ارائه در مراسمی ویژه، مهم نیست اثر در سال‌ها و دهه‌ها و قرن‌های بعد می‌ماند یا خیر و شاعری که اختیار هدایت ذوق خود را در دست متولّی آن رسانه گذاشته، خواسته یا ناخواسته به جای شاعر، به یک متصدّی تأمین برنامه بدل شده است. در واقع او فرقی با نویسنده یک برنامه رادیویی ندارد فقط به خاطر احاطه بر مبانی عروض و قافیه، مطالب خود را منظوم می‌نویسد. اولین آفتی که از ناحیه این رسانه‌زدگی متوجّه شاعر شعر آیینی می‌شود، شهرت کاذبی است که اولین نقطه رکود او می‌شود.

در سال‌های اخیر بسیار شاعران نوپا و امیدبخش ما پیش از آن‌که به اوج کمال هنر خود رسیده باشند قربانی شهرت کاذب و ارزان و زودگذری شده‌اند که جز تحفه نکبت‌بار سرعت ارتباط جمعی که خود سوغات بی‌مصرف رسانه‌های گروهی است، هیچ نبوده و نیست (حق‌شناس، ۱۳۶۱: ۱۶۳).

شاید یکی از دلایلی که گاه شعر شاعران در سایه‌ای که دور از پایتخت و آسیب‌های این چنینی هستند شاعرانگی بیشتری دارد و در حوزه نقدهای سالم، پیروزمندتر است، همین دور ماندن اجباری از فضای رسانه‌ای باشد. بزرگ‌ترین آسیبی که از ناحیه مناسبت‌سرایی متوجّه غزل آیینی می‌شود، گرایش زبان غزل از بیان شعور انگیز به سمت بیان شعارگونه است که به سطحی شدن و عدم ماندگاری غزل منجر می‌شود.

شعار، شعر نیست و فقط شعار است به دلیل این‌که اگر شعار، شعر بود هر کس که زنده باد یا مرده‌بادی به حق می‌گفت ممکن بود شاعر خوانده شود و ما به خوبی می‌دانیم که ده‌ها «زنده باد گو» و «مرده باد گو» پس از دادن شعار به کلی فراموش شده‌اند (براهنی، ۱۳۷۱: ج ۲: ۱۳۰۰).

البته برخی از منتقدان حوزه شعر آیینی نیز معتقدند که «این روند [مناسبت‌سرایی] در دهه شصت بسیار شدید بود و با ورود به دهه هفتاد از تب آن مقداری کاسته شد» (طاهریان، ۱۳۸۱: ۴۰)؛ اما در دهه هشتاد (سال‌های بعد از نگارش کتاب این منتقد) تب مناسبت‌سرایی بسیار بالا گرفت.

نگاهی مقایسه‌ای به دو اثر از یک شاعر، به نظر، منطقی‌ترین نوع قضاوت را در پی دارد. شهریاری که «علی ای همای رحمت...» (شهریار، ۱۳۹۸: ۶۹) را شاید بدون هیچ چشم‌داشت دنیوی و بی‌نظرداشت به هیچ مناسبتی می‌سراید برای همان مولای متقیان با نگاهی به حوادث اول انقلاب، چنین غزلی نیز دارد:

ای جلوه‌ی جمال و جلال خدا علی
اینک به مهد حضرت معصومه شهر قم
با نایب امام زد آن فجر نقره‌فام

وز هرچه جز خدا به جلالت جدا علی...
برداشته منادی ایمان ندا علی
خورشید گو به نقره فشاند طلا علی
(شهریار، به نقل از علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۲۴)

بسیاری از سروده‌های چاپ‌شده در مجموعه‌هایی مثل چشم بیمار (حوزه هنری: ۱۳۶۹)، آفتاب در آئینه (عمرانی و ملا هویزه: ۱۳۷۸)، تسبیح کلمات، (شاعران اهل بیت: ۱۳۹۷) مجموعه شعرهای کنگره‌های پیامبر اعظم، رضوی، عاشورایی، انتظار، دفاع مقدس و... از همین نوع است.

۳-۳-۳. تعدد متولی

یک انجمن شعر و ادب، به نظر، ساده‌ترین و درعین حال، سهل‌الوصول‌ترین تشکلی است که هر نهادی می‌تواند داشته باشد و در پایان فصل و سال، گزارشی مبسوط از فعالیت‌هایش را که معمولاً هم در کمال صحت و رو به تکامل اجرا و انجام شده است به مقامات مافوق اطلاع دهد!

از یک مدرسه ابتدایی گرفته تا یک دانشگاه و از یک نهاد نه‌چندان فرهنگی گرفته تا یک شرکت بزرگ، همه حق دارند یک بعدازظهر انجمنی ادبی هم داشته باشند؛ انجمنی که با حضور داوطلبانه یک دبیر بازنشسته ادبیات معمولاً هزینه‌ای هم برای آن نهاد ندارد، مهم «بودن» است که هست. چگونه بودنش به‌هیچ‌روی مورد بازخواستی واقع نمی‌شود. با این تفصیلات، بیرون‌ده انجمن کاملاً مشخص است و بی‌نیاز از تفصیل.

۳-۳-۴. نقش مطبوعات در تشابه سبکی غزل‌ها

به دنبال رواج صنعت چاپ در ایران و انتشار فراگیر روزنامه‌ها و مجلات، شعر و مخصوصاً غزل، آن‌چنان با صفحات مطبوعات گره خورد که به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر آن پذیرفته شد. در این میان به‌دلیل ایدئولوژیک بودن حکومت، غزل آیینی فرصت چاپ بسیار بالایی پیدا کرد.

این تبانی به‌ویژه در اوایل، به حدی بود که آرین پور اولین بخش کتاب *از صبا تا نیما* را به آن اختصاص داد. (ر.ک: آرین پور: ۱۳۷۲: ج ۱: ۲۱)؛ اما در آن روزها بیشترین حجم مباحثات معطوف به پذیرش یا عدم پذیرش تجدّد ادبی بود و در روزنامه‌ها یا مقاله‌های تحلیلی نوشته نمی‌شد و یا اگر هم بود، محور بحث آن، ردّ و قبول نوکلاسیک یا نوگرایی افراطی بود.

در ادامه، کم‌کم جریان نوگرایی پذیرش عمومی پیدا کرد و در حوالی دهه پنجاه و بعدازآن، رویکرد بسیاری از نقّادان مطبوعاتی متوجّه تحلیل ساختار و محتوا شد. گروهی فرم را اصل می‌دانستند و به نظریات فرمالیست‌های روسی استناد می‌کردند و گروهی دیگر توجّه به

شبکه مفهومی و اخلاق‌مداری را وجهه نظر خود قرار داده بودند. در این میان گروهی از شاعران جوان بی‌آنکه خود در شعرشان حضور داشته باشند، هرروز دنبال عقیده‌ای روان می‌شدند. چنین رویکردی بود که منتقدان سخت‌گیر و دیرپسندی مثل شفیع کدکنی را بر آن می‌داشت تا بگویند: «شما هر مجله‌ای را باز کنید، اگر صفحه انتقاد کتاب داشته باشد و کتاب شعری را نقد کرده باشد، مرتب این عبارت را می‌بینید که تکرار می‌شود: «ساخت شعرش ضعیف است»، «به فرم نرسیده است»، «زبان خاص خودش را پیدا نکرده است»؛ از وقتی این حرف‌ها وارد مطبوعات شد - احتمالاً مقارن سال‌های پنجاه - شعر جوان ایران شروع به خشکیدن کرد». (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: بیست‌وشش)

شاعرانی که از گفته‌های نقادان فقط بهره مثبت می‌بردند به کارهای موفق‌تری هم دست یافتند؛ اما گروه دیگر که طیف وسیعی از شاعران نیز بودند - هستند - چشم به دهان نقاد و آثار مطبوعات دوختند و همه در سمت و سوی که به آن‌ها دیکته شده بود، حرکت کردند به گونه‌ای که آثار تمام آنان تشابهی سبکی پیدا کرد تا جایی که اگر صد غزل آیینی از صد شاعر را در یک مجموعه به نام یکی از آن‌ها چاپ می‌کردند هیچ‌کس متوجه تفاوتی در زبانشان نمی‌شد.

زرین‌کوب در نقد چنین رویکردی معتقد است: «باری هدف منتقد آن نیست که چیز تازه‌ای به وجود بیاورد بلکه می‌خواهد چیزی را که وجود دارد تحلیل و توصیف کند» (زرین‌کوب، ۱۳۶۱: ج ۱: ۲۱).

شاعران جوان به‌ویژه در غزل، هر چه به دنبال پیدا کردن «سبک ویژه» و «زبان خاص» خود که دیکته شده نقادان بود بیشتر جلو رفتند، کم‌تر توفیق پیدا کردند؛ چراکه گمان داشتند زبان خاص، یعنی ایجاد فراهنجاری تکان‌دهنده در غزل به هر قیمتی که باشد؛ غافل از اینکه خروج از هنجار در شعر به مثابه برجستگی یا قابلیت ایجاد تکانه‌ای ملیح است که در ریل سخن اجرا می‌کنیم تا هنگامی که فی‌المثل قطار ذهن به آن برسد، تکانی خوشایند بخورد و موجب تحسین مخاطب شود نه اینکه ذهن را به دره‌ای از ابهام و ابهام پرت کند. متأسفانه شاعری که چنین فراهنجاری‌ای در زبان ایجاد می‌کند آنقدر از سوی منتقدان در مطبوعات مورد تحسین و تجلیل واقع می‌شود که هم خود، خود را گم می‌کند و هم دیگران به خیال اینکه چون او باید عمل کنند هر یک سر به دامان نوعی ایجاد فراهنجاری می‌گذارند.

من همچنان عقیده دارم و در این عقیده روزبه‌روز راسخ‌تر می‌شوم که شعر از وقتی روی در ضعف نهاد که شعرای جوان به‌جای اینکه به زندگی و زمانه و عشق و سرنوشت انسان بیندیشند به این فکر افتادند که چه کار کنند که «صاحب سبک» شوند و به اصطلاح روزنامه‌ها «زبان خاص» خودشان را پیدا کنند در نتیجه هم از ذات زندگی که سرچشمه همه هنرهاست به دور افتادند و

هم از سایه زندگی که سبک است (همان: پنج).

این آسیب، هرچند متوجه تمام قالب‌ها به‌طور عام و غزل معاصر به‌طور خاص بود، غزل آیینی را نیز از صدمه خود بی‌نصیب نگذاشت و همچنان در لباسی نوتر و در فضاهاى مجازى ترک‌تازى مى‌کند.

۴. نتیجه‌گیری

در غزل امروز ایران به‌رغم وسعت گسترده‌ای که دارد به نمونه‌های کاملاً موفق کمتر برمی‌خوریم و این قاعده در غزل آیینی نمود بیشتری دارد. بدون تردید بخشی از این ضعف، محصول روابط متقابل فرم و محتوا در درون سازمان غزل است؛ اما بخشی عمده‌تر که حتی بانی ضعف‌های درون‌سازمانی غزل نیز می‌شود؛ آسیب‌های فرامتنی آن است. در شعر امروز به‌طور عام و غزل آیینی به‌طور خاص، هرچند رویکردهای مضمونی و به‌ویژه ایدئولوژیک، در رهگذر سیاست‌های عمومی نظام، گسترده‌تر شده است به دلیل برگزاری بی‌رویه و گاه بی برنامه جشنواره‌ها و کنگره‌های ملی و فراملی و مناسبت‌سرایی‌های گسترده‌ای که سروده‌های کوششی را دامن می‌زند، آسیب‌هایی بسیار جدی بر آن سایه انداخته که مانع از اقتناع عمومی مخاطب خاص و عام شده است. نکته مهم‌تر این که تأثیر آسیب‌های فرامتنی به‌قدری عمیق و وسیع است که متن غزل آیینی امروز را نیز دچار اختلال کرده است و باید ریشه بسیاری از ضعف‌های متن غزل آیینی را در فرامتن آن جست.

کتابنامه

- آراین پور، یحیی. (۱۳۷۱). *از صبا تا نیما*. تهران: زوار.
- امیری اسفندقه، مرتضی. (۱۳۹۷). *چله شعر (چهل درس گفتار درباره شعر ولایی)*. تهران: شاعران اهل بیت.
- _____ . (۱۳۸۳). *چین کلاغ*. تهران: لوح زرین.
- _____ . (۱۳۷۸). *گزیده ادبیات معاصر (دفتر ۳۴)*. تهران: نیستان.
- امین، الهام. (۱۳۸۰). *مجموعه شعر انتظار*. تهران: مجتمع فرهنگی بلال.
- امین پور، قیصر. (۱۳۷۲). *آینه‌های ناگهان*. تهران: سراینده.
- امینی، اسماعیل. (۱۳۸۵). «گرگ بیمار غزل». شعر. س ۱۴. ش ۴۶. خرداد. صص ۶۸ - ۶۹.
- انوشیروانی، علیرضا. (۱۳۸۹) «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران». *ادبیات تطبیقی*. ش ۱. صص

- براهنی، رضا. (۱۳۷۱). *طلا در مس*. ج ۲. تهران: مؤلف.
- بهرامیان، زهرا و دیگران. (۱۳۹۱). «بررسی کارکرد عناصر موسیقایی شعر انتظار (در دوره معاصر)». *پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)*. س ۶. ش ۱ (پیاپی ۲۱).
- بیابانکی، سعید. (۱۳۷۶). *نیمی از خورشید*. تهران: همسایه.
- ترکمانیان، حسین. (۱۳۸۸). *سبوی کربلا؛ تجلی عاشورا در شعر معاصر پس از انقلاب*. مشهد: به نشر.
- جانفدا، هادی. (۱۳۹۷). *تسبیح کلمات (دفتر شعر فاطمی شاعران ایران)*. تهران: شاعران اهل بیت.
- حسینجانی، ابوالقاسم. (۱۳۷۸). *گزیده ادبیات معاصر (ش ۱۹)*. تهران: نیستان.
- حق شناس، علی محمد. (۱۳۶۱). *نقد آگاه (در بررسی آراء و آثار)*. تهران: آگاه.
- حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. (۱۳۶۹). *چشم بیمار*. تهران: حوزه هنری.
- خاقانی شروانی. (۱۳۷۴). *دیوان*. تصحیح ضیاءالدین سجادی. تهران: زوار.
- دلاور، پروانه. (۱۳۹۷). «بررسی و آسیب شناسی شعر آیینی معاصر». *ششمین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در مطالعات زبان*. تهران.
- رستگار، سیدمحمد. (۱۳۹۵). *گل گریه*. تهران: آرام دل.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۷۵). *کسای مروز، زندگی، اندیشه و شعر او*. تهران: ناشر: مؤلف.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۱). *نقد ادبی*. تهران: میترا.
- سامانی، نورالله عمان. (۱۳۷۹). *گنجینه الاسرار*. مقدمه و تألیف حسین بدرالدین. تصحیح محمد بهشتی. تهران: سنایی.
- ستاد غدیر استان تهران. (۱۳۸۲). *علی گویان*. تهران: انتشارات فرهنگی امیرالمؤمنین.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا و محمود امیدسالار. (۱۳۸۸). *علی نامه*. تهران: میراث مکتوب.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۳). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه*. تهران: سخن.
- شکوهی، غلامرضا. (۱۳۷۶). *آهی بر باغ آینه*. مشهد: ضریح آفتاب.
- شهریار، محمدحسین. (۱۳۹۸). *دیوان شهریار*. تهران: زرین.
- ضیایی، سیدعبدالحمید. (۱۳۸۷). *جامعه شناسی تحریفات عاشورا*. تهران: هزاره ققنوس.

- طاهریان، مسعود. (۱۳۷۹). *آواز کیوتران چاهی*. مشهد: کاتبان.
- _____ . (۱۳۸۱). *صبحدم با ستارگان سپید*. کنکاشی در بیست‌وپنج سال شعر مذهبی ایران. مشهد: به‌نشر.
- طهماسبی، قادر. (۱۳۷۵). *عشق بی غروب*. تهران: حوزه هنری.
- علوی‌مقدم، مهیار. (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی کاربرد نظریه‌های روایت‌شناسی در پژوهش‌های دانشگاهی ایران (مطالعه موردی: الگوی کنشگر گرماس)». *روایت‌شناسی*. س ۴. ش ۸. صص ۳۶۹-۳۱۱.
- عمارتی‌مقدم، داوود. (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی کاربرد نظریه‌های مدرن در تدوین درسنامه‌های بلاغی». *ادبیات پارسی معاصر*. س ۷. ش ۱. صص ۲۹ - ۴۷.
- عزیززاده، جمشید. (۱۳۹۸). *ناله‌های شباهنگی (اشعار عاشورایی و مقاومت و پایداری استاد محمدحسین شهریار)*. تبریز: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- عمران‌نی، غلامحسین و سیدمهران ملاهوئیزه. (۱۳۷۸). *آفتاب در آئینه*. تهران: دفتر فرهنگ مقاومت دانشگاه آزاد اسلامی.
- قدسی، سیدفضل‌الله. (۱۳۷۵). *خاکستر صدا*. تهران: حوزه هنری.
- قزوه، علیرضا. (۱۳۷۵). *شبلی و آتش*. تهران: اهل قلم.
- کاظمی، محمد کاظم. (۱۳۷۰). *پیاده آمده بودم*. تهران: حوزه هنری.
- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۷۶). *آوازهای نسل سرخ*. تهران: عروج.
- _____ . (۱۳۷۸). *گزیده ادبیات معاصر (ش ۷)*. تهران: نیستان.
- محبت، محمدجواد. (۱۳۸۵). *اشک لطف می‌کند*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- محدثی خراسانی، زهرا. (۱۳۸۹). *شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن*. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- محمدی نیکو، محمدرضا. (۱۳۷۸). *گزیده ادبیات معاصر (ش ۹۱)*. تهران: نیستان.
- منزوی، حسین. (۱۳۷۷). *از کهریا و کافور*. تهران: کتاب زمان.
- موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۶۸). *دستچین*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- میرجعفری، سیداکبر. (۱۳۷۶). *حرفی از جنس زمان*. تهران: قو.
- نظری، فاضل. (۱۳۸۵). *اقلیت*. تهران: هزاره ققنوس.
- نمازی بروجردی، مسعود. (۱۳۹۲). *سرالاسرار؛ شرح و تصحیحی نو و متفاوت بر مثنوی عاشورایی گنجینه الاسرار عمان سامانی*. تهران: سامان دانش.

